



گرانفروشی ارز توسط بانک‌ها در جنگ اقتصادی!

● حدسیات و گزارش‌هایی وجود داشت که ممکن است برخی از بانک‌ها با اینکه ارز دارند، اما این ارزها را عرضه نکرده و آن را ذخیره می‌کنند تا در آینده بتوانند گران‌تر بفروشند

گزارش

کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران که حاوی روایت‌هایی از شرایط اقتصادی کشور در زمان فعالیت دولت‌های نهم و دهم است، مباحثی را پیرامون حال و هوای اقتصاد کشور در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ مطرح کرده است. وزیر امور اقتصادی و دارایی آن سال‌ها، نکات گوناگونی از مشکلات و نحوه رفع مسائل آن روزها بیان کرد. حسینی روند افزایش نرخ ارز، تحریم بانک مرکزی و تحولات بازار ارز را تشریح کرد و در این شماره نیز با پیگیری مباحث ارزی سال‌های ۸۹ تا ۹۱، به اولویت‌بندی تخصیص ارز پرداخت.

● یعنی یا هر تحریم، شاهد یک شوک ارزی بودیم؟

بستگی داشت. در زمستان (دی‌ماه) سال ۱۳۹۰ بانک مرکزی ایران تحریم شد. طبیعی است که پس از تحریم، ما شاهد شوک‌هایی در بازار ارز باشیم. اگرچه ظرف مدت ۶ ماه در بازار ارز در شاهد افزایش ۶۰۰ تومانی قیمت‌ها بودیم ولی با این حال نرخ ارز در تابستان ۱۳۹۰، حدود ۱۳۸۰ تومان بود اما در زمستان ۱۳۹۰، به ۱۸۰۰ تومان رسید. یاد هست مذاکرات هسته‌ای شروع شده و به جاهای حساس رسیده بود. تا سال ۱۳۸۹ نه تنها منابع ارزی کشور خوب و مناسب بود بلکه مازاد ارزی تجاری هم وجود داشت. بانک مرکزی سعی می‌کرد با استفاده از ذخایر خودش بازار را مدیریت کند. در ماه‌های اول سال ۱۳۹۰ این امکان وجود داشت اما در نیمه دوم این سال اتفاقی که افتاد اینکه بانک مرکزی که مسئول کنترل این عدم تعادل‌ها بود خودش تحریم شد و به نوعی راه استفاده از ذخایر ارزی برای تنظیم بازار بسته شد. در سال ۱۳۹۱ در کنار تحریم بانک مرکزی، خرید نفت نیز تحریم شد. یعنی فشار مضاعفی به بخش مالی و درآمد ارزی کشور وارد شد. لذا در سال ۹۱ به نقطه‌ای رسیدیم که نمی‌توانستیم از ذخایرمان استفاده کنیم و درآمد‌های نفتی مان هم رو به افول بود. پس طبیعتاً نمی‌توانستیم با نرخ‌های موجود، بازار را کنترل کنیم. لذا شما می‌بینید از اواسط سال ۹۱ یعنی از حدود تیر و مرداد ماه، به سمتی

می‌رویم که به جای استفاده از ذخایر ارزی، برای کنترل نرخ ارز، باید ذخایر ارزی‌مان را حفظ و لاجرم نرخ ارز را تعدیل کنیم. در گزارشی که همان سال ۹۱ در حضور رئیس‌جمهور و اعضای دولت خدمت رهبر معظم انقلاب ارائه کردم، در خصوص سیاست‌های ارزی نگرانی خود و در واقع دولت را بابت حفاظت بهتر از ذخایر ارزی اعلام کردم.

● احتمالاً تصمیم گرفتید قیمت ارز را گران کنید؟

اصلاً سیاست‌ها تغییر کرد. سال ۹۱، سال بسیار متفاوتی برای اقتصاد ایران بود. جالب است همه مخالفان دولت قبل، عملکرد سال ۱۳۹۱ را مبنای ارزیابی مقایسه‌های خود در نظر می‌گیرند، اما هیچ وقت قبل آن به طور مثال، سال‌های ۸۹ یا ۹۰ را معیار قیاس‌های خود قرار نمی‌دهند. با توجه به شرایطی که در این سال‌ها وجود داشت امکان بازگوه کردن بسیاری از این تنگناها نبود. برای همین بهتر دیدیم این سختی‌ها را به جان بخریم و برخی از تحلیل‌ها و حتی اهانت‌ها را بی‌پاسخ بگذاریم، اما در این جنگ اقتصادی با یک روحیه ضعیف و عجز در مقابل دشمنان ایران ظاهر نشویم. اتفاقات فوق باعث شد به طور مشخص در تاریخ ۹۰/۱۰/۱۸ هیأت وزیران مصوبه‌ای در خصوص ساماندهی بازار ارز صادر کند و کارگروه «سامان‌دهی مسائل ارزی» تشکیل شود. کمیته‌ای که مرکب از نماینده‌های بانک مرکزی (معاونت ارزی)، وزارت صنعت، معدن و تجارت



در سال ۱۳۹۱ در کنار تحریم بانک مرکزی، خرید نفت نیز تحریم شد. یعنی فشار مضاعفی به بخش مالی و درآمد ارزی کشور وارد شد. لذا در سال ۹۱ به نقطه‌ای رسیدیم که نمی‌توانستیم از ذخایرمان استفاده کنیم و درآمد‌های نفتی مان هم رو

به افول بود. پس طبیعتاً نمی‌توانستیم با نرخ‌های موجود، بازار را کنترل کنیم. لذا شما می‌بینید از اواسط سال ۹۱ یعنی از حدود تیر و مرداد ماه، به سمتی می‌رویم که به جای استفاده از ذخایر ارزی، برای کنترل نرخ ارز، باید ذخایر ارزی‌مان را حفظ و لاجرم نرخ ارز را تعدیل کنیم



مصوبه ساماندهی بازار ارز

اتفاقاتی باعث شد به طور مشخص در تاریخ ۹۰/۱۰/۱۸ هیأت وزیران مصوبه‌ای در خصوص ساماندهی بازار ارز صادر کند و کارگروه «سامان‌دهی مسائل ارزی» تشکیل شود. کمیته‌ای که مرکب از نماینده‌های بانک مرکزی (معاونت ارزی)، وزارت صنعت، معدن و تجارت (سازمان توسعه تجارت)، وزارت اقتصاد (گمرک) بود. با این کار می‌خواستیم سه دستگاهی را که بیشتر درگیر بازار ارز هستند نسبت به قبل به هم نزدیک‌تر و هماهنگی را تقویت کنیم. چون احساس می‌کردیم شرایط به گونه‌ای شده است که نمی‌توان مانند گذشته با بیانیه و نامه، کارها را جلو برد، بلکه باید جلساتی برگزار شود. شما اگر این بخشنامه را نگاه کنید، بیشتر از جنس بخشنامه‌های تنظیمی و انضباطی است، چون بین نرخ ارز مرجع با نرخ ارز آزاد فاصله افتاده بود. این بخشنامه سعی می‌کند شفافیت، انضباط و نظارت را در بازار بیشتر کند.

خارجی ایران است. ما در سال ۱۳۹۱ مجبور بودیم وارد تحول در نظام ارزی شویم. در این سال ابتدا نرخ سومی تحت عنوان «نرخ مبادله‌ای» در کنار نرخ ارز مرجع و نرخ ارز بازار آزاد شکل گرفت، ولی کم کم به سمتی رفتیم که با حذف نرخ ارز مرجع به بازار دونه‌ری برگردیم. اما تک‌نرخ شدن در آن مقطع ممکن نبود. شما زمانی می‌توانید واحدسازی نرخ ارز را انجام دهید که بتوانید نرخ را در یک دامنه تعریف‌شده‌ای مدیریت کنید و این کار زمانی امکان‌پذیر است که بانک مرکزی شما بتواند در بازار ارز مداخله کند. اما بانک مرکزی که تحریم و ذخایرش

مسدود است و در وصول، تبدیل و انتقال منابع ارزی مشکل دارد، با چه قدرتی می‌خواست این کار را انجام دهد؟! اینها مباحثی است که مطرح بود، وقتی آمدیم بازار ارز را مدیریت کنیم، متوجه شدیم در ابتدا حتماً باید چرخه تجاری را مدیریت کنیم، یعنی نمی‌شود نظام ارزی را مدیریت کنیم اما در نظام تجاری همچنان شرایط کاملاً باز را داشته باشیم. لذا در شرایط تحریم اولویت‌بندی‌ها شکل گرفت.

● در مورد ایده؟

نرخ ارز یکسان برای زمانی است که شما بتوانید در کشورهای مختلف با حداقل هزینه، ارزها را تبدیل و جابه‌جا کنید. اگر انسداد ایجاد شود بانک مرکزی اگرچه ارز زیادی دارد اما در تبدیل و نقل و انتقالات ارزی دچار محدودیت است و مجبور است هزینه بالاتری نسبت به تاجری که تحریم نیست، بپردازد. با توجه به تنگنایی که وجود داشت دو طرف همیشه با هم در گیرودار بحث بودند. از یک طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت که مسئول تجارت کشور بود مدام به بانک مرکزی می‌گفت: «در ماه ۴-۵ میلیارد دلار ارز احتیاج داریم.» از

طرفی همه کالاها نیز با اولویت یکسان ثبت سفارش می‌شدند. مشکلی که آن زمان پدید آمد این بود که تخصیص منابع به طور بهینه صورت نمی‌گرفت. یعنی ممکن بود به کالایی با اولویت و ضرورت بیشتر ارز نرسد ولی به کالایی با اولویت کمتر ارز برسد. درآمد‌های ارزی کشور به یک سوم تقلیل پیدا کرده بود، از سویی بانک مرکزی هم نمی‌توانست از ذخایر ارزی استفاده کند، ضمن اینکه هزینه‌هایمان نیز بیشتر شده بود. با کنار هم گذاشتن این موارد، ناخواسته به این مرحله رسیدیم که باید سیاست‌های ارزی تغییر کند. در سال ۱۳۹۲ که می‌خواستیم عملیات تسعیر ارزی را انجام دهیم حدود ۷۴ هزار میلیارد تومان ارزش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی قبل از تسعیر بود. این رقم نشانگر یکی از بالاترین ذخایر ارزی بانک مرکزی در این سال‌ها بوده است. بانک مرکزی با بالاترین ذخیره ارزی در طول تاریخ کشور به دولت بعدی تحویل داده شد، ولی به‌رغم این ذخیره ارزی، در مقطعی بانک مرکزی نمی‌توانست حتی ۱۰۰ میلیون دلار ارز به بازار عرضه کند. البته منظور از بازار، چهارراه استانبول نیست، بلکه منظور شبکه تجاری

بفروشند. از طرفی منابع ریالی این ارزها را از محل اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی تأمین می‌کنند. پس ما با دو مشکل افزایش قیمت ارز و افزایش پایه پولی به دلیل اضافه برداشت بانک‌ها مواجه می‌شدیم. بعد از تیرماه ۱۳۹۱ که بانک مرکزی ایران تحریم و خرید نفت یا درآمد ارزی کاهش یافته است و دیگر بانک مرکزی آن توان و مانور گذشته را ندارد، لذا مشخص بود که بانک مرکزی با توجه به روش قبلی نمی‌توانست تمام نیازهای ارزی کشور را تأمین کند. لذا باید به یک اطمینان برای تأمین نیازهای ضروری کشور در بازار ارز می‌رسیدیم. اینجا بود که بحث اولویت‌بندی ارزی و تقسیم‌بندی کالاها در اولویت مطرح شد که قبلاً توضیح دادم.

● اولویت‌بندی کالاها ایده چه کسی بود؟

وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌خواست تمام نیازهای ارزی کشور پوشش داده شود. چون نیاز ارزی کشور بیشتر از ناحیه ثبت سفارش و واردات کالا شکل می‌گرفت. بانک مرکزی می‌گفت: ارز ما محدود است و این قدر ارز برای تأمین نداریم. از